

< هو الحکیم >

عنوان:

معرفی مصادیق اولی الامر در کلام رسول خدا



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

در کتاب اکمال‌الدین مرحوم شیخ صدوق، از عده‌ای از اصحاب امامیه روایت شده مسنداً از یونس بن ظبیان از جابر جعفی که این‌ها همه از بزرگان بودند؛

«گفت شنیدم از جابر بن عبدالله (صحابی بزرگ پیامبر) که می‌گفت چون نازل فرمود خداوند عزوجل بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این آیه:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ} سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه ۵۹. «ای کسانی که ایمان آوردید اطاعت کنید خدا را اطاعت کنید رسول و اولی‌الامر از شما را» ای مردمی که ایمان آوردید خدای خود را متابعت کنید و پیروی نمایید رسول اکرم و صاحبان امر از خودتان را. سؤال کردم یا رسول‌الله! خدا و رسول را شناختیم، اولی‌الامر کیانند که پروردگار عزیز پیروی و اطاعت آنان را به طاعت شما مقرون فرموده؟ «ببینید اطاعت محض را می‌گوید! {أَطِيعُوا اللَّهَ} یعنی در همه چیز اطاعت محض از خداوند داشته باشی! بلافاصله او عطف می‌آورد؛ {أَطِيعُوا الرَّسُولَ} یعنی من جمیع جهات باید اطاعت از نبی اکرم داشته باشی؛

{وَأُولِي الْأَمْرِ} و اطاعت محض باید از اولی‌الامر داشته باشی.

یک نکته‌ای که این‌جا از این آیه استفاده می‌شود این است که رسول خدا و اولی‌الامر هم معصوم هستند! زیرا اگر خداوند گفت اطاعت محض از این‌ها بکنید، اگر نادرستی در این‌ها راه داشته باشد، خداوند امر به قبیح کرده! مسئله‌ی نادرستی باشد، اطاعت به امر قبیحی کرده! لذا از این آیه اطاعت محض استفاده می‌شود، بحث عصمت در مورد خدا که مطرح هست؛ خدا که خطا و خطیئه ندارد! پیامبر و اولی‌الامر هم همین‌طور! «اولی‌الامر کیان‌اند که پروردگار عزیز پیروی و اطاعت آنان را به اطاعت شما مقرون فرموده؟ فرمود: آنان خلفای من و پیشوایان مسلمانان بعد از من. اول ایشان علی بن ابی‌طالب و بعد از او حسن، سوم حسین بن علی، و پس از آن علی بن حسین، پنجم محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است». این صفت در تورات اصلی که در ارتباط با حضرت موسی علیه‌السلام هست، صفت باقر آورده؛ این‌جا فرمودند که مراد حضرت محمد بن علی هست. «و تو او را درک می‌کنی. هنگامی که خدمتش شرفیاب شدی، سلام مرا به او برسان.»

جابر بن عبدالله، امام باقر علیه السلام را درک می‌کند و سلام
پیامبر هم به امام باقر علیه السلام می‌رساند.
«ششم حضرت صادق جعفر بن محمد، بعد موسی بن
جعفر، هشتم علی بن موسی، نهم محمد بن علی، دهم
علی بن محمد، یازدهم حسن بن علی، دوازدهم همانم و
کنیه‌ی من حجت خدا در زمین و بقیه‌الله در میان بندگان
است که خداوند متعال، مشارق و مغارب زمین را به دست
مبارک او فتح فرماید. از نظر شیعه و دوستانش غائب
گردد و آن قدر غیبتش طولانی شود که بر ایمان خدا ثابت
نماند مگر کسی که خداوند قلب او را به نور ایمان آزموده
است.»

یعنی شرایط غیبت این قدر شرایط مشکلی هست که چنین قابلیت‌هایی باید آن فرد داشته باشد که آزموده شده باشد چنین اعتقادی را نسبت به امام زمان علیه‌السلام داشته باشد، وگرنه دینش را از دست می‌دهد! در صفحه‌ی ۸۰۴ راوی گفت: «جابر عرض کرد یا رسول‌الله! آیا نفع می‌برند شیعیان از او در حال غیبت؟» نکته این جاست! حالا که این امام غائب است، آیا مردم نفع می‌برند؟ «فرمود قسم به خدایی که مرا به نبوت مبعوث کرده، به تحقیق که شیعه از او منتفع می‌شود و از نور او استضاء می‌کند.» استضاء مصدر باب استفعال هست؛ یعنی طلب ضوء، طلب نور می‌کنند. «چنانچه از نور خورشید استفاده می‌کنند اگرچه ابر جلوی او را گرفته باشد. ای جابر! این سرّ مکنون خداوند و سرّ مخزون علم اوست.» مکنون یعنی سکر؛ سکر در انگلیسی پنهان پنهان شده. این یک سرّی هست که پنهان شده و سرّ مخزون علم اوست. «پس مخزون دار آنرا مگر از اهلش.»

یعنی این مسئله‌ای که من دارم به تو می‌گویم، یک سر هست! چرا؟ جهت هم این بود که اگر حکام می‌فهمیدند، چه بسا جان حضرت باقر علیه‌السلام یا امام زین‌العابدین علیه‌السلام مثلاً به خطر می‌افتاد! این حدیث به عنوان یک سر مطرح شده! «جابر گفت پس از آن وارد شدم روزی بر علی بن حسین. در آن بین که من مشغول سخن بودم با امام چهارم، ناگاه بیرون آمد از پیش زنان و اندرون محمد بن علی؛ تا آخر حدیث» یعنی حضرت باقر علیه‌السلام را دیده. جابر بن عبدالله انصاری، اولین زائر امام حسین علیه‌السلام با عطیه شاگردش هست. در وقتی که سیدالشهدا علیه‌السلام در سال ۶۱ به شهادت رسیدند، در بین اهل بیت علیهم‌السلام، حضرت باقر علیه‌السلام هم بودند.

یعنی امام باقر علیه‌السلام ولادت‌شان سال ۵۷ هست، سال ۶۱ هم ماجرای عاشورا بود، حضرت حدود چهار سال‌شان بود. که حتی تو تاریخ یعقوبی جلد دوم صفحه‌ی ۳۲۰، نقل کرد از امام باقر علیه‌السلام که گفت: «جدم امام حسین علیه‌السلام کشته شد در حالی که من چهار سالم بود و کشته شدن او را به یاد می‌آورم». این را ملای سنی در تاریخ آورده است.